



## جایگزینی ۱۰۰ درخت چنار در تهران

۱۰۰ اصله درخت چنار با سن بالای ۵۰ سال به جای درختان خشک‌شده خیابان ولیعصر (عج) کاشته شدند. به گزارش ایسنا، محمدصابر باغخانی‌پور، مدیرکل محیط‌زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران، جزئیاتی از آخرین وضعیت پایش درختان خیابان ولیعصر تهران گفت و توضیح داد: «کمی بیشتر از یک‌سال قبل، درختان چنار خیابان ولیعصر (عج) که تراکم‌شان در محدوده پارک‌وی تا میدان تجریش قرار دارد پایش و اسکن شده بود که به‌صورت کامل توپوگرافی ۱۰۰۰ اصله درخت انجام شده و براساس نتایج پایش، عمده درختان خیابان ولیعصر حدفصل پارک‌وی تا میدان تجریش سالم هستند و مشکل خاصی ندارند و عمده مشکل آن‌ها ضعف در ریشه درختان است چراکه به‌دلیل قرارگیری در نهر و دسترسی همیشگی به آب، ریشه‌ها دوند و در حال حرکت نبودند. همچنین این درختان به دلیل تراکم در این محدوده، رو به سمت آفتاب داشتند که به همین علت به‌صورت منحنی هستند.»



## افزایش فاصله ازدواج تا فرزندآوری

رئیس سازمان ثبت احوال از افزایش فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول به بیش از چهار سال خبر داد. به گزارش ایسنا، هاشم کارگر درباره آخرین تغییرات الگوی فرزندآوری در کشور توضیح داد و گفت: «میانگین فاصله زمانی بین ازدواج تا تولد نخستین فرزند، به ۴/۳ سال رسیده که نشان‌دهنده افزایش زمان تصمیم‌گیری زوج‌ها برای فرزندآوری در سال‌های نخست زندگی مشترک است.» به گفته او، میانگین سن مادران در زمان تولد نخستین فرزند، ۲۷/۶ سال و میانگین سن پدران، ۳۲/۵ سال است. او گفت: «در ۳ ماه اول سال ۱۴۰۴، بیش از ۲۱۴ هزار و ۲۳۲ ولادت در کشور به ثبت رسیده است. از این تعداد، ۱۱۱ هزار و ۳۲۸ نوزاد پسر و ۱۰۲ هزار و ۹۸۵ نوزاد دختر در کشور متولد شدند.»



## آغاز عملیات اطفای حریق در هورالعظیم

استاندار خوزستان از آغاز عملیات اطفای حریق در بخش عراقی تالاب هورالعظیم با پرتاب ۱۶۰ هزار لیتر آب در چهار سورتی پرواز خبر داد. به گزارش ایسنا، محمدرضا موالی‌زاده اعلام کرد که هواپیمای آبیاش از روز سوم مردادماه توسط سازمان هوافضای سپاه مستقر شده و عملیات اطفای حریق در بخش عراقی تالاب هورالعظیم را آغاز کرده است. به گفته او، از صبح روز گذشته چهار سورتی پرواز انجام شده و در هر پرواز ۴۰ هزار لیتر آب روی منطقه پاشیده شده که هم برای خاموش کردن آتش، هم مرطوب‌سازی محیط موثر است. این عملیات به‌صورت مستمر ادامه خواهد داشت تا مناطق بحرانی کاملاً تحت کنترل قرار گیرند. استاندار خوزستان اضافه کرد: «این هواپیماها در نمای بالای ۴۵ درجه نمی‌توانند پرواز کنند، بنابراین عملیات در ساعت‌های خنک‌تر روز مانند صبح و غروب انجام می‌شود.» او همچنین از رابرتی با مسئولان عراقی برای رهاسازی آب از رودخانه دجله به سمت هورالعظیم خبر داد: «با توجه به محدودیت منابع آبی در کرخه، نیاز به مدیریت دقیق برای تامین آب شرب، کشاورزی و دامداری وجود دارد که امیدواریم با همکاری دو طرف به نتیجه برسد.»



مؤمن قنبرلی از یمن



انور ایمن الاخرس



محمد معین نشیت



اسامه الحکوت



محمد قنبرلی ابو عمر

## گفت‌وگوی «هم‌میهن» با ۷ خبرنگار ساکن غزه درباره زندگی در سایه گلوله و گرسنگی

# می‌نویسند گرسنه می‌مانند می‌میرند



احمد المقادیه



سلمی القدومی

▼ **مرگ نزدیک‌تر از یک کارتن غذا**

پیش‌بینی قحطی که بیش از یک‌سال پیش مطرح شده بود، اکنون در غزه محقق شده است. برنامه جهانی غذا (WFP) وابسته به سازمان ملل اعلام کرده که ۱۰۰ هزار زن و کودک دچار سوءتغذیه حاد شده‌اند، و یک‌سوم از ۲/۱ میلیون جمعیت این منطقه برای چندین روز متوالی از وعده‌های غذایی صرف‌نظر کرده‌اند. این سازمان در بیانیه‌ای که در اختیار خبرگزاری فرانسه گذاشته، هشدار داده که از هر سه نفر در غزه، نزدیک به یک‌نفر، چندروز بدون غذا می‌ماند: «۹۰ هزار زن و کودک نیاز فوری و مبرم به درمان دارند.» از زمان جلوگیری از ورود سازمان‌های امدادی بین‌المللی و به‌دست گرفتن توزیع غذا توسط اسرائیل، نیروهای اسرائیلی بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی را که در تلاش برای رسیدن به کمک غذایی بودند، کشته‌اند.

«انور ایمن الاخرس»، خبرنگار و تدوینگر در شبکه بین‌المللی خبری قدس، ۲۵ ساله، ساکن غزه یکی از روزنامه‌نگارانی است که از سال ۲۰۲۱ مشغول خبررسانی از وضعیت فلسطین به‌ویژه غزه است و حالا در یکی از اردوگاه‌های آوارگان در خان‌یونس زندگی می‌کند؛ جایی در میان چادرهای فرسوده که آن را زندگی مترادف با تنگی و ستم‌روانه توصیف می‌کند. او به «هم‌میهن» می‌گوید، الان سخت‌ترین لحظات شغلی‌اش را می‌گذراند: «کار کردن در چنین شرایطی دشوار است، با گرسنگی و خستگی، گاهی مجبور می‌شوم کارم را رها کنم تا بتوانم مقداری غذا پیدا کنم، اما هم با قیمتی بسیار بالا. این روزها از یادم نمی‌رود.»

او می‌گوید در جنوب نوار غزه، به‌ویژه در شهر خان‌یونس، مردم غزه نیازی به روایت آنچه درباره قحطی شنیده‌اند ندارند، چون آن را با تمام جزئیات دردناک‌اش زندگی می‌کنند: «گرسنگی در اینجا یک استعاره نیست، بلکه واقعیتی روزمره است؛ واقعیتی که کودکان پیش از بزرگ‌ترها آن را حس می‌کنند.»

«من درباره قحطی چیزی نشنیده‌ام؛ من آن را زندگی کرده‌ام.» این جمله‌ای است که «انور»، برای توصیف واقعیت تلخی که در میان شرایط انسانی روبه‌خامت تجربه می‌کند، به کار می‌برد؛ واقعیتی که هر روز با صحنه‌هایی فراموش‌نشده‌ای از گریه، گرسنگی و فروپاشی سلامت همراه است: «هر شب با صدای گریه کودکان از خواب بیدار می‌شوم. از گرسنگی گریه می‌کنند، لقمه‌ای غذا یا لیوانی شیر می‌خواهند. همسایه‌ها تلاش می‌کنند هر کودک را با هر چه دارند آرام کنند، اما گریه‌ها قطع نمی‌شود.» سوءتغذیه در میان کودکان به صحنه‌ای روزمره برای او و دیگر خبرنگاران حاضر در غزه تبدیل شده است.

«انور» می‌گوید وضعیت بهداشتی کمتر از بحران غذایی نیست، مراقبت‌های پزشکی تقریباً از بین رفته‌اند، دارو کمیاب است و صف‌ها طولانی‌اند: «مادرم شخصاً مدت زیادی برای معاینه منتظر ماند، اما در نهایت حتی داروی لازم را هم پیدا نکردیم.» انور همچنین از مرگ جوانی ۲۰ ساله از آشنایانش می‌گوید که تنها از سردرد رنج می‌برد و به‌دلیل دریافت نکردن مراقبت پزشکی، پس از چندروز جان باخت.

به گفته او، رنج زنان به‌ویژه زنان باردار به‌دلیل سوءتغذیه و افزایش

مثل «محمد معین نشیت»، خبرنگار میدانی مستقل که در داخل نوار غزه فعالیت می‌کند و حالا نوشتن و کار کردن برایش سخت شده؛ مثل همه مردم، او هم تحت‌تأثیر قحطی قرار گرفته و بارها مجبور شده بین غذا خوردن خودش یا فرزندانش، یکی را انتخاب کند. او به «هم‌میهن» می‌گوید اغلب سهم غذای خودش را به آن‌ها داده: «فقط در ماه گذشته، چهار بار از شدت گرسنگی و سوءتغذیه بی‌هوش شدم.» او کشته شدن بازماندگانی را ضبط کرده که از مراکز کمک‌آمریکایی باز می‌گشتند و از زیر دست‌وپا ماندن و لگدمال شدن دیگران برای یافتن غذا حرف می‌زدند؛ تصاویری که «محمد» می‌گوید هرگز فراموش‌شان نمی‌کند.

### ▼ فقط نفس می‌کشیم، ما مرده‌ایم

«زان» مردی کودکی با چشمانی درشت، صورتی معصوم و اندامی لاغرتر از آنچه یک کودک باید داشته باشد. او دیگر دوست «سلمی القدومی»، خبرنگار میدانی ساکن غزه شده بود که ماه‌هاست از دل بحران انسانی در غزه گزارش می‌فرستد و حالا او هم مثل دیگر روزنامه‌نگاران محلی که مدت‌هاست تنها منبع گزارش‌های مستقیم از گرسنگی و مرگ در غزه‌اند، توانی برای کار کردن ندارد. همین دو روز پیش بود که بی‌بی‌سی، رویترز، خبرگزاری فرانسه و آسوشیتدپرس نگرانی عمیق خود را از وضعیت خبرنگاران در غزه ابراز کردند و گفتند که تهیه غذا روزبه‌روز برای آن‌ها و خانواده‌هایشان سخت‌تر می‌شود. خبرنگاران میدانی از مرگ تدریجی انسان‌ها بر اثر گرسنگی، کمبود دارو و محاصره کامل خبر می‌دهند و «سلمی القدومی»، خبرنگار فلسطینی ساکن غزه، یکی از این خبرنگاران است که به «هم‌میهن» از شرایط سخت کاری روزنامه‌نگاران و مرگ کودکانی می‌گوید که تنها جرم‌شان این است که در زمان محاصره به دنیا آمده‌اند: «جنگ، از «زان» چیزی باقی نگذاشت جز پوستی بر استخوان. روزبه‌روز لاغرتر شد و در نهایت مُرد.»

زان، قربانی سوءتغذیه شدید شد؛ وضعیتی که به گفته منابع بیمارستانی در غزه، اکنون صدها کودک دیگر را هم تهدید می‌کند. او قرار بود برای درمان به خارج از غزه منتقل شود. وعده‌هایی از سوی سازمان جهانی بهداشت (WHO) برای خروج او از نوار غزه داده شده بود، اما هیچ کدام محقق نشد: «او فقط منتظر بود، چشم‌په‌راه مجوز خروج. اما مُرد. مثل بسیاری دیگر.»

«سلمی» می‌گوید مردم سردرگم‌اند، راهی برای فرار نیست و تنها کاری که از آن‌ها برمی‌آید، دعا کردن و صبر کردن است؛ دعا برای پایان این نسل‌کشی: «باور کنید ما دیگر زنده نیستیم. مافقط نفس می‌کشیم... ما مُرده‌ایم.» طبق گزارش‌های میدانی او، بسیاری از بیمارستان‌های اصلی در غزه از چرخه خدمات درمانی خارج شده‌اند، بیماران مکرر، نبود تجهیزات پزشکی، قطعی برق و فقدان ورود دارو باعث شده نظام درمانی غزه عملاً فروپاشد: «اسرائیل به‌طور هدفمند سیستم بهداشت و درمان را نابود کرده. حتی سازمان‌های بین‌المللی هم نمی‌توانند غذا، دارو یا کمک‌های بشردوستانه به داخل برسانند. دو سال است در این وضعیت هستیم. چرا هیچ کس کاری نمی‌کند؟ چرا صدای ما را نمی‌شنوند؟»

**الهه محمدی**  
خبرنگار گروه جامعه

همین دیروز «محمد الحسن»، مرد ۴۱ ساله نسبتاً درشت‌هیکلی که حالا وزنش فقط ۲۵ کیلوگرم بوده، جلوی چشمان «سلمی القدومی»، روزنامه‌نگار و تصویربردار خبری ساکن غزه جان سپرده؛ و این تنها تصویر از قحطی در غزه نبوده که «سلمی» از آن فیلم‌برداری کرده؛ زنی ۳۴ ساله، که وزن از دست داده و نمی‌تواند پاسخ سوالات «هم‌میهن» را بنویسد: «آقدر انرژی ندارم که حتی نمی‌توانم تایپ کنم.» او از کودکان زیادی فیلم گرفته، با بعضی‌شان رابطه نزدیکی داشته اما آن‌ها هم بر اثر سوءتغذیه و گرسنگی جان باخته‌اند؛ یکی از آن‌ها «ابو‌زاهر» بود و دیگری «زان»: «او برای من مثل یک دوست کوچک عزیز بود که قبل از جنگ، واقعا دختر زیبایی بود... چشم‌های درشتی داشت... مثل یک فرشته. اما کم‌کم شروع کرده وزن از دست دادن، روزبه‌روز ضعیف‌تر شد و در نهایت از دنیا رفت.»

اما سخت‌ترین لحظه‌ای که «سلمی» در تمام زندگی‌اش تجربه کرده، روزی بوده که همکار روزنامه‌نگارش، وقتی با هم در حال تهیه گزارش بودند، جلوی چشمانش گلوله خورده و کشته شده. در ۱۸ آگوست ۲۰۲۴؛ «سلمی» و «ابراهیم» در حال مستندسازی از یک عملیات تخلیه در شهرک «حمد» در «خان‌یونس» (جنوب‌نوار غزه) بودند؛ مصاحبه می‌گرفتند و صحنه‌ها را ثبت می‌کردند؛ ناگهان تانک‌های اسرائیلی وارد منطقه شدند و شلیک‌ها آغاز شد. آن‌ها هیچ فرصتی برای پنهان شدن نداشتند. چندین بار، مستقیم به سمت آن‌ها شلیک شد و در همان لحظات نخست، گلوله‌ای بر بدن «ابراهیم» نشست؛ او هنوز زنده و دستانش را برای کمک به سمت «سلمی» دراز کرده بود: «به سمت‌اش رفتم و سعی کردم کمک‌اش کنم. ما کنار هم ایستادیم و تلاش کردم هر چه سریع‌تر او را از خیابان خارج کنم، چون تانک‌های اسرائیلی به سمت ما می‌آمدند.» اما «سلمی»، در میانه تلاش برای نجات جان دوست‌اش، خودش هم هدف قرار گرفت؛ گلوله‌ای از پشت به بدن‌اش نشست، ثانیه‌هایی بعد، هوشیاری‌اش را از دست داد و ساعاتی بعد، در بیمارستان به هوش آمد. چهار یا پنج ساعت از خون‌ریزی گذشته بود و وقتی از سرنوشت «ابراهیم» پرسید، با حقیقتی تلخ روبه‌رو شد: «ابراهیم» در همان محل کشته شده بود؛ درست جلوی چشمانش: «این، سخت‌ترین لحظه‌ای بود که در تمام زندگی‌ام تجربه کردم.»

«احمد المقادیه»، روزنامه‌نگار آزاد هم که بیش از ۲۰ کیلوگرم از وزنش را به‌دلیل سوءتغذیه از دست داده، یادش نمی‌آید آخرین باری که غذای سیرکننده خورده، چه زمانی بوده. او هر روز می‌بیند که مردم از شدت گرسنگی در خیابان‌ها بی‌هوش می‌شوند و دیگر هیچ‌کس از این فروپاشی در امان نیست. «احمد» به «هم‌میهن» می‌گوید کودک شیرخوارش را به‌سختی می‌تواند سیر کند، وقتی به گریه‌هایش از گرسنگی نگاه می‌کند، چیزی جز چند لقمه اندک ندارد و سخت‌ترین لحظه برایش، زمانی است که گرسنگی را در چشمان پسرش، همسرش، پدر و مادرش می‌بیند و در مقابل‌شان ناتوان می‌ایستد: «هیچ ندارم؛ حس قحارت و شکستی که کلمات نمی‌توانند توصیف‌اش کنند.»



**زنان مانند مردان، از کمبود همه چیز رنج می‌برند؛ به‌ویژه وسایل بهداشت شخصی. وضعیت به‌قدری وخیم است که بعضی از زنان در خودروهای شخصی، در خیابان، زایمان کرده‌اند. چندروز پیش جوانی را در بیمارستان دیدم که تنها یکی، دو سال از من کوچک‌تر بود. بدون هیچ علامتی، فقط به‌دلیل گرسنگی مرد. به همین سادگی**